

چهارشنبه ۲۴ / ۹ / ۱۴۰۰ جلسه ۵۲

موضوع: فقه شعائر / ادله رجحان تعظیم شعائر / دلیل چهارم: حکم عقل

ادله داله بر رجحان تعظیم شعائر اعم از وجوب یا ندب و نیز بحث حرمت هتک و وهن نسبت به شعائر را بیان کردیم. در مورد تعظیم شعائر ابتدا آیات و بعد سیره عملیه متشرعه و عقلائییه را بیان کردیم و دلیل سوم اجماع بود.

دلیل چهارم حکم عقل است. در بحث حکم عقل:

اولاً عقل تعظیم شعائر اعم از شعائر دینی، ملی و انسانی را امری حسن و هتک اینها را قبیح می‌داند (صغری).

ثانیاً کبری این است که طبعاً کل ما کان حسناً عقلاً فغیر الجائر فراجع شرعاً، غیر از جایز، یعنی جایز بالاتر می‌شود. مثل العدل حسن عقلاً و کل ما کان حسناً عقلاً فهو واجب شرعاً.

این، از باب مستقلات عقلیه است. صغری را اثبات کنید که تعظیم شعائر حسن عقلاً. دلیلش این است که عقل می‌گوید تعظیم شعائر زمینه‌ساز اقامه حق، رسیدن حق به حق‌دار و تحقق اغراض فردی و اجتماعی شارع است. چون عقل می‌گوید در ظرف و زمان و مکانی است که فرض شارع این است و دینی هم هست. پس عقل می‌گوید تعظیم الشعائر حسن عقلاً لاجل هذه الامور و کل ما کان حسن عقلاً فهو واجب شرعاً.

در شعائر دینی می‌گوییم:

۱- هر چیزی را که شارع تعظیم کرده، می‌شوند امر حسن.

۲- چرا بعضی از چیزها را شارع تعظیم کرده است؟ چون تعظیم دین است.

۳- تعظیم حامل این دین، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه (علیهم السلام) هستند.

۴- عقل می‌گوید این تعظیم حسن است، چون شارع این تعظیم را کرده و این تعظیم، تعظیم دین، تعظیم پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و تعظیم ائمه (علیهم السلام) است. پس عقل می‌گوید این تعظیم حسن است. چون در واقع تعظیم خدای متعال، دین او و حاملان دین خدای متعال است.

پس صغری تمام است و تعظیم الشعائر حسن عقلاً.

نکته اول: به علاوه تعظیم شعائر از مصادیق شکر منعم است. منعم خدای متعال و اهل بیت (علیهم السلام) هم واسطه انعام و فیض بر هستی هستند. قلب امام ظرف اراده الهی است. ان الامام وکر لاراده الله عزوجل. ارادت الرب در امور مقادیر تصدر من قلبکم. بنابراین تعظیم شعائر از مصادیق شکر منعم است. پس آیا خدای متعال دوست دارد که شما به صفا و مروه احترام کنید؟ بله. آیا خدای متعال دوست دارد که شما شتر قربانی را تعظیم کنید؟ بله. چون انتساب به خدای متعال دارد. آنچه که شعائر الله و شعائر دین حساب شود، از مصادیق شکر منعم هم می‌شود.

نکته دوم: هر چیزی که از شعائر دینی باشد، یقیناً مطلوب و محبوب شارع هم هست. چون در راستای تحقق اهداف و اغراض شارع است. نتیجتاً آنچه که محبوب شارع باشد، عقل به حسن تحققش حکم می‌کند.

دلیل عقلی دوم این است که تعظیم و اقامه شعائر زمینه‌ساز بقاء دین است و زمینه‌سازی برای بقاء دین واجب است، پس تعظیم شعائر واجب است. احیاء شعائر زمینه‌ساز بقاء دین است و اگر شعائر را احیا نکنیم و این شعائر از بین برود محرم، صفر، مجالس عزاداری و امثالهم از بین خواهند رفت. در مجالس تعظیم شعائر مردم احکام، اخلاق و عقاید دین را یاد می‌گیرند، بعد رفتاری آنها تا حد زیادی اصلاح می‌شود، اشک‌هایشان گناهانشان را می‌شوید و به آنها نورانیت می‌دهد.

دلیل عقلی سوم این است که تعظیم شعائر با اقامه حق، یاری دین و حق، اتحاد مفهومی یا مصداقی دارد و یاری و اقامه دین یعنی شعائر. ولی اینها مقدمه تحقق و بقاء دین نیستند، بلکه خود دین و بقاء دین هستند. حفظ و بقاء دین واجب است چون خود دین است.

الكافي: عن ميسر عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال لي: أتخلون و تتحدثون و تقولون ما شئتم؟ فقلت: أي و الله، أنا لنخلوا و نتحدث و نقول ما شئنا. فقال: أما و الله لو ددت أني معكم في بعض المواطن، أما و الله أني لأحب ربحكم و أرواحكم، و أنكم على دين الله و دين ملائكته، فأعينوني بورع و اجتهاد.^۱

امام باقر (علیه السلام) به میسر می‌فرمایند آیا می‌نشینید و احادیث ما را به همدیگر می‌گویید؟ بله. حضرت فرمودند اما (أما حرف اعلان و آماده باش) والله (قسم جلاله) من دوست دارم در بعضی از مجالس شما بنشینم، من بو و روح شما را دوست دارم، این شیوه‌ای که عمل می‌کنید و در مجالس می‌نشینید یعنی بر دین خدای متعال هستید.

پس دلیل عقلی سوم این است که تعظیم شعائر اتحاد مفهومی یا مصداقی بخشی از واجبات شرعیه حداقل با تعظیم شعائر دینی است. مثل یاری حق، ابطال باطل، نشر دین، تعلم دین، اظهار تولی و تبری، امر به معروف و نهی از منکر، تعاون بر برّ و تقوی و ارشاد جاهلان.

پس تعظیم شعائر از اموری است که قیاسات‌ها معها. نیازی به اثبات ندارد و باید بحث را به سرعت روی مصادیق ببریم. البته حکم خیلی از مصادیق و مصداقیتش هم واضح است. بعضی از مصادیق را به خاطر احکام و عناوین ثانویه باید روی آنها بحث کرد و إلا عناوین اولیه آنها هم معلوم است.

دلیل عقلی چهارم این است که عقل به قبح اهانت و هتک آنچه که از ناحیه شارع محترم شمرده شده، حکم می‌کند. کل ما کان محترماً عقلاً فوهنه محرم شرعاً. فاعلش هم مستحق عقاب است و عقل می‌گوید این عمل قبیح است. پس بین حکم عقل و شرع ملازمه است و این وهن مبعوض شارع است. پس وهن و هتک شعائر عقلاً و نقلاً حرام است.

۱- احیاء شعائر دین تعظیم پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است.

۱. سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، القمی، الشیخ عباس، ج ۲، ص ۱۱۴.

سوره نجم آیات ۳ و ۴ می فرماید ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۖ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾.^۲ در سوره حشر می فرماید ﴿مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ ۚ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ ۚ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾.^۳ در واقع احیاء و تعظیم شعائر دینی می شود تعظیم پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله).

۲- اتباع از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، چه اتباع قولی (آنچه در قول فرمودند) و چه در عمل و سیره (آنچه که داشتند).

۳- تعظیم و اتباع از عترت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله).

سوره شوری آیه ۲۳ می فرماید ﴿ذَٰلِكَ الَّذِي يُبَيِّنُ اللَّهُ عِبَادَتَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ۚ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا ۖ إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ ۚ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا ۚ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ﴾.^۴ اگر من اجر می هم از شما خواستم که آن اجر مودت ذوی القربای من است، نفعش به خودتان می رسد و اجر من به عهده خدای متعال است.

سوره سبا آیه ۴۷ می فرماید ﴿قُلْ مَا سَأَلْتُكُم مِّنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ ۖ إِنِ اجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ ۚ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾.^۵

سوره فرقان آیه ۵۷ می فرماید ﴿قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۖ إِلَّا مَن شَاءَ أَن يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا﴾.^۶

پس اجری که من پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از شما (مردم) می خواهم:

اولاً نفعش به خودتان برمی گردد.

ثانیاً سبیل إلى الرب است.

ثالثاً مصداقش مودت ذوی القربی است.

بسیاری از این شعائر بازگشت به مودت ذوی القربی هم دارد. إلا الموده فی القربی.

مودت با حب فرق می کند. حضرت (علیه السلام) می توانستند بگویند محبت ذوی القربی، ولی چرا موده به کار بردند؟ حب یعنی دوست داشتن. یحبونهم کحب الله. مصدر آمده مثل یحبونهم کحب الله، ولی در قرآن فعل ثلاثی از ماده حب به کار نرفته و یا از باب افعال، یا تفعیل و یا استفعال است. محبت عبارت است:

۲. سوره نجم، آیه ۳ و ۴.

۳. سوره حشر، آیه ۷.

۴. سوره شوری، آیه ۲۳.

۵. سوره سبا، آیه ۴۷.

۶. سوره فرقان، آیه ۵۷.

باب تفعیل یحبونه، باب افعال ﴿إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾^۷. باب افعال ﴿وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾^۸. باب استفعال ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَاُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾^۹

مودت عبارت است از:

﴿وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاتِهِ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرَ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُزَحَّزَجٍ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ﴾^{۱۰}

﴿يَوَدُّ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِنْ نَجِيلٍ﴾^{۱۱}. ﴿يُصَرِّوْنَهُمْ يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِيذٍ بَنِيهِ﴾^{۱۲}، مجرم دوست دارد از عذاب آن روز به جای خود، پسرانش را بدهد که خودش عذاب نشود.

سؤال: فرق مودت با حب چیست؟

۱- مودت درجه بالاتری از محبت است.

۲- اینکه درجه بالاتر است هم برای تثبیت، هم برای تحقق و هم برای معلومیتش نیاز به ابراز دارد.

بعضی از لغویین می‌گویند مودت یعنی محبت قلبی که ابراز می‌شود. چون محبت می‌تواند در قلب باشد اما مودت، محبت به علاوه ابراز و اظهار است. همچنان که مودت در مقابل عداوت و دشمنی و حب در مقابل بغض است. حب و بغض می‌توانند امر درونی نفسانی باشند، اما وقتی به مرحله بالاتر برسد، انسان اظهار می‌کند. ولی اگر آرامش و حال معمولی داشته باشد، ممکن است ابراز و اظهار نکند. اما درجه حب و بغض و عداوت هر چه بیشتر می‌شود، بروز و ظهور آنها هم در انسان بیشتر می‌شود. مودت در مقابل عداوت است. پس در ریشه مودت ابراز و اظهار خوابیده است.

روایتی داریم در غرر که می‌فرمایند حُسْنُ الْخُلُقِ يُوْرِثُ الْمَحَبَّةَ وَ يُؤَكِّدُ الْمَوَدَّةَ، حسن خلق فقط در نفس نیست، بلکه مورث محبت است، یعنی محبت را ایجاد می‌کند و مودت را تأکید می‌کند. یعنی زورش به ایجاد محبت می‌رسد اما نسبت به مودت تأکید می‌کند. چون وقتی محبت آمد، می‌خواهد به وادی اظهار برسد و هر چه حسن خلق بیشتر باشد، طبعاً اظهار هم بیشتر است.

روایتی داریم در کافی که می‌فرمایند

^۷. سوره قصص، آیه ۵۶.

^۸. سوره بقره، آیه ۱۹۵.

^۹. سوره توبه، آیه ۲۳.

^{۱۰}. سوره بقره، آیه ۹۶.

^{۱۱}. سوره بقره، آیه ۲۶۶.

^{۱۲}. سوره معارج، آیه ۱۱.

۲- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ وَ مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى جَمِيعاً عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا أَحْبَبْتَ رَجُلًا فَأَخْبِرْهُ بِذَلِكَ فَإِنَّهُ أَثْبَتُ لِلْمَوَدَّةِ بَيْنَكُمَا^{۱۳}، وقتی کسی را دوست داری به او بگو و وقتی محبت درونی خود را به او خبر بدهی مودت‌های این چینی هم بیشتر تثبیت می‌شود.

سوره آل عمران آیه ۳۱ می‌فرماید ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾^{۱۴} اگر خدای متعال را دوست دارید از من (پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)) تبعیت کنید تا خدای متعال شما را دوست بدارد. پس دوستی خدای متعال تبعیت از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است و خیلی از مصادیق تبعیت از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌شود تعظیم شعائر و زمینه‌ساز حب الله لنا می‌شود.

خدای متعال نسبت به مساجد می‌فرماید ﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ﴾^{۱۵}، کسی که ایمان به خدای متعال و روز قیامت دارد مساجد خدای متعال را آباد می‌کند (نفسانی، درونی و قلبی است) و نماز به پا می‌دارد و زکات می‌دهد (اظهاری و بیرونی است) و جز از خدای متعال نمی‌ترسد (هم درونی و هم اظهاری و بیرونی است). پس خدای متعال به ما کد می‌دهد و ما نباید فقط به دنبال صفا و مروه و یا به دنبال ﴿وَالْبَدَنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ﴾ بگردیم.

تعظیم آداب اجتماعی

سوره مجادله آیه ۱۱ می‌فرماید ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُزُوا فَانْشُزُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾^{۱۶}، وقتی می‌گویند در مجالس به تازه‌واردین جا بدهید، این کار را بکنید وقتی می‌گویند بلند شوید، بلند شوید اگر این کارها را بکنید، بدانید که سبب رفعت شما می‌شود (یک ادب اجتماعی در باب تعظیم). تعظیم چه کسی؟ طبعاً تعظیم تازه‌وارد. تعظیم یک تازه‌وارد مثل استاد، پدر، عالم، سید و امثالهم زمینه‌ساز رفعت شما می‌شود.

[۱۹۶۴۳] ۱ - محمد بن الحسن قال : روى عن أبى محمد الحسن بن على العسكري عليه السلام أنه قال : علامات المؤمن خمس: صلاة الخمسين ، وزيارة الأربعين ، والتختم فى اليمين ، وتعفير الجبين ، والجهر ببسم الله الرحمن الرحيم.^{۱۷}

امام حسن عسگری (علیه السلام) می‌فرماید علائم المؤمن خمس، علامت‌های مؤمن ۵ تا است. علامت یعنی علامت یا اشاره یا شعاریت.

۱- صلات الاهداء و خمسين

۱۳ . الکافی - ط الاسلامیة، الشیخ کلینی، ج ۲، ص ۶۴۴.

۱۴ . سوره آل عمران، آیه ۳۱.

۱۵ . سوره توبه، آیه ۱۸.

۱۶ . سوره مجادله، آیه ۱۱.

۱۷ . وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملی، ج ۱۴، ص ۴۷۸، أبواب أبواب المزار وما یناسبه، باب ۵۶، ح ۱، ط آل البيت.

۲- و زیارت الاربعین

۳- و التختیم بالیمین

۴- و تعفیر الجبین

۵- و الجهر ببسم الله الرحمن الرحيم

این ۵ علامت مؤمن، ابرازی است. درست است که از حقیقت و ماهیت معنوی و معرفت درونی سرچشمه می‌گیرد، اما همه این ۵ علامت ابرازی هستند.

صلات ۵۱ رکعت ارمغان معراج پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است. اصل صلات ارمغان شب معراج است و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ۱۲۰ بار به معراج رفتند. البته حقیقت و روح صلات، ولایت اهل بیت (علیهم السلام) است.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) به سلمان و جندب (یعنی ابوذر) می‌فرمایند ﴿استعينوا بالصبر والصلوة إنها لكبيرة إلا على الخاشعين﴾، صبر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است و صلات من (امیرالمؤمنین (علیه السلام)) هستم؛ لذا قرآن می‌فرماید پذیرش صلات سخت است مگر کسانی که نسبت به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) خشوع قلبی دارند، منتهی بعضی، خیلی‌ها را قبول کردند اما ولایت مرا (امیرالمؤمنین (علیه السلام)) قبول نکردند.